

۱۳۸۸/۰۸/۱۳
(تذکره)

گل و مرغ ایرانی

روش های طراحی و ساخت و ساز

www.ketabir

مهدی ایرانی

ایرانی، مهدی، ۱۳۵۷-
گل و مرغ ایرانی: روش‌های طراحی و ساخت و ساز
تهران: یساولی، ۱۳۹۴. ۱۲۸ ص.: مصور (بخشی رنگی)؛ ۲۹×۲۲ س.م.
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. ۸-۴-۶۰۶-۳۰۶-۹۶۴-۹۷۸
۱. فیبای مختصر. الف. فهرست‌نویسی کامل این اثر درنشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است. ب. رادمنش، روزبه، ۱۳۶۶-
کتابخانه ملی ایران ۳۷۹۱۱۳۳



انتشارات یساولی

گل و مرغ ایرانی روش‌های طراحی و ساخت و ساز

طراح و مؤلف: مهدی ایرانی

ویراستار: روزبه رادمنش

لیتوگرافی: نقش آفرین

چاپ اول: ۱۳۹۴، چاپ رنگ پنجم

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات یساولی

تهران: خیابان انقلاب، بازارچه کتاب، طبقه زیرین، تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۳، نمابر: ۶۶۴۱۱۹۱۳

تهران: خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت، ساختمان ۲۵۳، واحد ۳۰۲، تلفن: ۶۶۴۰۹۴۷۹

www.yassavoli.com / www.yassavolishop.com

info@yassavoli.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۶-۶۰۴-۸

حق چاپ محفوظ است.

بها: ۱۶۰۰۰ تومان



عکس از استاد امیر مغانی

مهدی ایرانی، متولد ۱۳۵۷

عضو، مدرس و مسئول انجمن نگارگری ایران؛ مدرس دانشگاه؛ عضو خانه هنرهای تجسمی ایران؛ عضو خانه هنرمندان کاشان؛ مدیر مسئول آموزشگاه نگارینه در کاشان؛ عضو انجمن خوشنویسان و شایسته انجمن خوشنویسان ایران؛ دارنده مدرک فوق ممتاز خط ثلث؛ دبیر و داور اولین، دومین و سومین جشنواره هنری «امیر مغانی» در کاشان در سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰؛ کسب عنوان فرهیخته هنری در کاشان؛ دآوری در جشنواره‌های مختلف خوشنویسی و نگارگری و کسب رتبه در جشنواره‌ها و دوسالانه‌های معتبر بین‌المللی داخلی و خارجی.

نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی:

استانبول (ترکیه، ۲۰۱۴)؛ بانکوک (تایلند، ۲۰۱۴)؛ شارجه (امارات، ۲۰۱۴)؛ موزه تلمسان (الجزایر، ۲۰۱۲)؛ نمایشگاه در مجموعه آتاترک (آنکارا، ۲۰۱۲)؛ نمایشگاه انفرادی در موزه ملی داکا (بنگلادش، ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱) و شرکت در بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی و انفرادی در کاشان، تهران، اصفهان، تبریز، قم و کیش.

«هو الجمیل»

به نام آنکه گل را رنگ و بود داد ز شبنم لاله‌ها را آبرو داد
به گل بخشید حسن و دل‌ستانی به لبلب داد عشق و نغمه‌خوانی

هنر گل و مرغ در نقاشی ایرانی سابقه‌ای هزار ساله دارد؛ ولی از زمان صفویه، استاد رضا عباسی کاشانی، با نگاه خاص خود به این دو مخلوق، توانست پایه‌گذار این سبک باشد و نگاهی جدید در این هنر به وجود آورد. بعد از ایشان، فرزندش شفیع عباسی و دیگر هنرمندان آن زمان این راه را ادامه دادند تا زمانی که در دوران زندیه و قاجار به کمال آراستگی رسید. نگاه عارفانه این هنرمندان به گل و مرغ بر جلد‌های قرآن، کتاب‌های شاعران و داستان‌های عاشقانه به خوبی نشان داده شده است.

وقتی به گل و پرندۀ خیره می‌شویم و جزء به جزء، با نگاهی موشکافانه در آن دقیق می‌شویم و به مطالعه و تحقیق در آن می‌پردازیم، به هنر نقاشی از بی می‌بریم که چگونه و با چه ظرافتی رنگ‌ها و نقش‌ها را در هم آمیخته و چنین آثار شگفت‌انگیز و بی‌بدیلی خلق کرده است. رنگ‌هایی را در کنار هم قرار داده که هیچ نقاشی به راحتی جرئت نمی‌کند از این رنگ‌ها در کنار هم استفاده کند و نیز چنان زیبا و آرام‌بخش آنها را در کنار هم نشانده که انسان را شگفت‌زده می‌کند. وای که چقدر تحسین‌برانگیز است وقتی به چشم یک پرندۀ و یا پرچم‌های یک گل خیره می‌شویم!

بی‌دلیل نیست که عارفان و شاعران بعد از زیبا، و لطافت مخلوقات را گل می‌دانند و گل سرسید تمام گل‌ها «گل سرخ» توانسته است که با زیبایی و عطر روح‌انگیزش، نام گل سرسید عالم هستی حضرت محمد (ص) را از آن خود کند و نام این گل مزین به نام رسول‌الله (ص) گل خدای باشد. به این علت است که از این گل در نقاشی ایرانی استفاده زیادی می‌شود.

همان‌طور که سهراب می‌گوید: «من مسلمانم / قبل‌ام یک گل سرخ ...»

زیبایی و لطافت و بوی خوش گل توانسته است آن را به نمادی از عشق تبدیل نماید و پرندگان عاشق را به سوی خود جذب کند.

استفاده ما از واژه مرغ برای این پرندگان عاشق، نشان از نگاه قدسی ما به این پرندگان دارد که به نمادی از عاشق تبدیل شده‌اند. پرواز این مرغ‌ها همانند پرواز روح از زندان جسم است.

این مرغ‌ها لایه‌لای گل‌های درهم‌تنیده مشغول پرواز و عشق‌بازی هستند. فضایی که از ترکیب و همزیستی این دو به دست می‌آید چنان روحانی و ملکوتی است که روح انسان را با خود به پرواز درمی‌آورد. چگونه عشق ورزیدن را به انسان می‌آموزد. این حقیر زمانی بی به راز و رمز این هنر پردم که با استاد محمدبقر آقامیرزا آشنا شدم و از این بابت خداوند را شاکرم.

در این کتاب تلاش کرده‌ام اصول طراحی از انواع گل‌هایی را که در طبیعت دیده‌ام به شکل آموزشی و جذاب و از آنها در نمایی استفاده کنم که بیشتر دیده شوند و اصالت ایرانی آنها حفظ شود. همچنین در این کتاب به گل‌های زنبق، به دلیل پیچیدگی بیشترشان و توجه خاصی نقاشان ایرانی به آنها، بیش از دیگر گل‌ها پرداخته شده است. طراحی از حشرات و پروانه‌ها نیز، که لایه‌لای این گل‌ها زندگی می‌کنند، در کنار پرندگان خالی از لطف نیست.

از آقای رضا یساولی و دیگر عزیزانی که من را در مسیر تألیف این کتاب تشویق کردند و به من یاری رساندند بسیار سپاسگزارم.

امیدوارم این کتاب بتواند به دوستداران هنر اصیل ایرانی کمک کند.

مهدی ایرانی



بسم الله الرحمن الرحيم

صادقانه‌ترین راه برای شناخت و شناسایی یک قوم و ملت و کشور، توجه دقیق به آثار و تفکر و آداب و رسوم هنری آنها است.

هنرمند، به دلیل حساسیتی که دارد، عوامل و عناصر تأثیرگذار را بیشتر می‌شناسد. تأثیر وضع جغرافیایی منطقه بر انسان‌ها و موجودات دیگر همان منطقه، تأثیر عرفان، مذهب، جامعه، حکومت و حتی کائنات را دریافت می‌کند و به واسطه جلوه‌های گوناگون هنر به نام نقاشی، موسیقی، تئاتر، سینما و ... آنها را مطرح می‌کند. در کشور عزیز ما ایران ادبیات، به علت آزادی بیشتری که داشته، توانایی‌های بیشتر و طیفی وسیع‌تر پیدا کرده است.

در جهان‌بینی ایرانی - اسلامی جلوه‌های الهی به نام عشق در سراسر عوالم موجودات ساری و جاری است و حالت جذبه و انجذاب ما بین تمام ذرات و موجودات همیشه برقرار است، چنانکه حیات و هستی تمام موجودات قائم به عشق است.

یکی میل است با هر ذره رفاص کشان هر ذره را تا مقصد خاص

عرفا و بزرگان و هنرمندان اندیشمند کشور عزیز ما ایران پایه و اساس هستی را عشق و عشق‌ورزی دانسته‌اند. حافظ بزرگ در مرقع خود، راه و طریق رستگاری را در عشق‌ورزی مطرح می‌کند.

که شمره شهرم به عشق ورزیدن منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن

شعرای عارف و هنرمند به آن دیدند که وصف حال و اندیشه و عقیده و حتی درس اخلاق را با زبان و جلوه موجودات دیگر بیان کنند.

خوش را آن بسند در سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

به طور کلی، آنچه در طبیعت خلق شده زیبا است. شعرا و هنرمندان کشور عزیز ما ایران، برای ارائه عشق‌ورزی و رابطه عاشق و معشوق، گل و مرغ و رابطه آنها را مطرح کردند.

گل مظهر زیبایی و مرغ موجود آگاه و شاد و هوشمند است. بیان زیبایی‌شناس است. رابطه آنها با هم نیز گفت‌وگو و اخلاقی است که در نهایت به معنای استمرار در مهر ورزیدن و عشق بستن است.

صبح دم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت ناز کم که در این باغ بسی چون تو شکفت

گل بخندید که از راست نرنجیم ولی هیچ عاشق حسن سخت به معشوق نگفت

بهترین درس اخلاق و هدایت به زیبا اندیشیدن و زیبا سخن گفتن.

آقای مهدی ایرانی این اصول را خوب دریافت و در هنر نگارگری، نقاشی گل و مرغ را انتخاب کرد. او در این راه موفق بوده و آثار خوبی از خود بر جای گذاشته است. همچنین او کتابی تألیف کرده است که شامل طراحی‌هایی برای آموزش، ترکیب طراحی با یک رنگ و چند رنگ به صورت تابلویی کامل می‌شود. این کتاب، بسیار زیبا و قابل توجه به معانی و تحسین‌برانگیز است.

در نهایت، می‌خواهم بگویم که انتخاب سوژه گل و مرغ با روح و روان ایشان و استفاده از معانی عرفانی و ادبی ایران هماهنگ بوده است و اینجانب مهر و عاطفه و محبت را در ایشان حس کرده‌ام. از خداوند متعال سلامتی و سعادت‌مندی و استمرار در تفکر و بیان زیبایی را خواهانم.

گر گل است اندیشه تو، گلشنی.



هو المصور

عروس غنچه رسید از حرم به طالع سعد به عینه دل و دین می‌برد به وجه حسن
صفیر بلبل شوریده و نقیر هزار برای وصل گل آمد برون ز بیت حزن

روح آدمی از ملکوت اعلیٰ سرچشمه گرفته است و به رمزی، که راز آن تنها بر حق تعالیٰ مکشوف است، کالبد
خاکی‌اش با روح افلاکی پیوند یافته و حیات و ممات را در این پویه محقق ساخته است.

این چنین میناگری‌ها کار توست این چنین اکسیرها اسرار توست
آب را و خاک را بر هم زدی ز آب و گل نقش تن آدم زدی

لیکن مرغ روح را همواره یادی و نامی از مأوای ازل و وطن اولی در سر و بدن و شور و شوقی در دل است تا جایی که:

بشنو این چنین حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند
کز یسارستان تا مرا ببریده‌اند از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
سینه‌ام شعله‌ور از حزن و فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

و تمامی جد و جهد آدمی بدان مرتبت شایسته کمال را در آیینۀ وصال ببیند و جز بر آن آرام نگیرد.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

گل به زبان تمثیل هنر، خلاصۀ بهشت است و مرغ پیران جان آدمی به رازی باغ بهشت.

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک چند رونی قفسی ساخته‌اند از بدنم

در عالم قدس، روح و جان، چون نفخه‌ای از ذات حضرت باری را در خود دارد؛ به سبب میل علوی می‌کند و از این
زندگانی تن رو به مقصد سرزمین اصلی می‌نهد و مدام در آن سودا است که اجازه یابد تا بالین خویش بگستراند و
در ساحت نامتناهی عالم معنی به پرواز درآید.

خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست به هوای سرکوبش پر و بالی بدم

و به راستی که این شوریدگی، اندرون آدمی را لحظه‌ای رها نمی‌کند و آرام نمی‌گذارد.

چو گل هر دم به بوی جامه در تن کنم چاک از گریبان تا به دامن

تنت را دید گل گویی که در باغ چو مستان جامه را بدرید بر تن

و این مرحله، خود با وجد و سرور توأم است که در قامت جاذبه‌های عاشقانه در نگارگری، خیالی‌نگاری و کاشی‌های
هفت‌رنگ «گل و مرغ» در تالاف است و بدان تجلی می‌یابد.

گل و مرغ، در سنت هنری نقش‌پردازی ایرانی، از شاخه‌های نگارگری است. این نقاشی، در سیر تحول خود در
دوره اسلامی، کمال و جمال یافته است تا زمانی که به عنوان طرحی اصیل و شریف و مانا و پویا در هنر دینی
جایگاهی ارجمند یافته است. در این هنر، گویا پرنده با شوق و ذوق در انتظار شهد و شکوفایی گل است و می‌رود
تا با عروجی مستانه، خود را از جهان ماده منتزع کند و مسرورانه به عالم معنا سیر دهد. معمولاً به بهانه عظمت و



عزت معشوق، پرنده از آنچه در طبیعت است کوچک‌تر طراحی می‌شود. ضمن اینکه مناظره عاشقانه این دو نیز همواره به تسبیح و تقدیس خداوند جلّت عظمتّه اختصاص دارد. چنانکه شیخ اجل هم به آن اشاره کرده است:

دوش مرغی به صبح می‌نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش
یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش
گفت باور نداشتم که تو را بانگ مرغی چنین کند مدهوش
گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح‌خوان و من خاموش

مرغ را از گل جدایی نشاید و آن دو را پیوندی عمیق بباید. که به تعبیر حکما «ذاتی الشیء لا ینفک عن الشیء».

لبلی زار زار می‌نالید بر فراق بهار وقت خزان
گفتم آنده میر که باز آید روز نوروز و لاله و ریحان
گفت ترسم بقا وفا نکند ورنه هر سال گل دمد بستان

نقش گل و مرغ بر صحن و فضای ابنیه تاریخی، نقش خیالی است که به قلم جادویی نقاشان جلوه‌هایی از بهشت آرمان را بر بدی دهد و تذکّاری برای روحانیت بخشیدن به خشت و گل و آجر و سنگ است.

در منطق الطیر، تشابوری کوشیده است تا خصایص و خصایل آدمی را که هر پرنده‌ای نمادی از آن است با زیرکی و ذکاوت بر کند. در این میان، سیمرغ برجسته‌ترین پرنده نمادین در فرهنگ و هنر ایرانی است که عمیقاً مورد توجه حکیم نوس در گرفته است.

بی‌تردید، تغییر و تبدیل محور حادّین سیمرغ در فرهنگ اسلامی و نیز چگونگی گذر آن از نقش‌مایه‌های اساطیری بر قلمرو صور مثالی در اندیشه‌های رازآلود شهاب‌الدین سهروردی به شیواترین شیوه تبیین شده است. شیخ اشراق با کوشش در بازخوانی آثار هنر و فلسفه، یک ایرانی پیش از اسلام در پرتو مفاهیم بلند عرفانی اسلامی، در بازخوانی تأویل گرایانه‌ی قصه‌های ساهن، سیمرغ را به جایگاهی برمی‌کشد که جلوه‌گاه حضرت باری است.

با همه این احوال، صاحب این اثر، هنرمند بر اثر جناب آقای مهدی ایرانی، با ذوق خدادای و با حوصله و بردباری، همت خویش را بر بسته تا به مدد دانش و تجربه‌ای که طی سالیان متمادی، با درک محضر استادان نام‌آشنایی چون پیشکسوت گرامی «محمدباقر اقامی» بدخته (که ایشان نیز به‌حق با تربیت شاگردانی برجسته منشأ خدماتی گسترده بوده و هستند)، ضمن ارج نهادن به اصول هنری، به نوعی از بدعت و نوآوری نیز نایل آید و شیفتگان وادی جولان و طیران را به مرغزاری دمو از دل مرغ فراخواند و به طرب بنشانند.

خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت



و من ... توفیق
محمود شالویی
آذر ماه سال ۱۳۹۱